

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ اگست ۲۰۲۲

غنی احمدزی: "مرگ بر همه، زنده باد خودم!"

سه شنبه- ۲۵ اسد ۱۴۰۱ - کابل: "غنی احمدزی" رئیس اداره پوشالی ساقط شده در آخرین مصاحبه خود با "آسوشیتدپرس" به ارتباط فرار و گریزش باز هم به دنبال مقصر گشته، اینبار یک تن از آشپزان ارگ را متهم می سازد که گویا قصد داشته در بدل اخذ ۱۰۰ هزار دالر وی را مسموم نماید. حتا برای مردن خود هم از لاف نمی گذرد. در یادداشت کنونی مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- گویند زمانی، یک فرد در جمع دوستان و آشنایان گوزش رفت، برای آن که گوزش را مخفی نماید تلاش کرد تا با ایجاد صدا های جانبی، قسمی وانمود نماید که گویا آن صدا از گوز نبوده و صدای پایه چوکی بوده است. در جمع دوستان یک ظریفی وجود داشت که نتوانست مقابل این صحنه سازی ها سکوت نماید، در نتیجه گفت: "صدایش را که بت می کنی، بویش را چه می کنی؟"

۲- داستان مفتضحانه "غنی احمدزی" هم شکل همان گوزی را گرفته که گوزوک می خواست مخفی نماید، از همین رو هر روزی که می گذرد گوزوک در اینجا "غنی احمدزی" می کوشد، تا فرد دیگری را مسؤل معرفی نماید. یک روز بار ملامتی ها را به گردن شرکای غربی می اندازد، بار دیگر "خلیلزاد" را تکفیر نموده تمام مسؤولیت ها را بر دوش وی می اندازد، چند روز از آن قضیه نگذشته، وزیر دفاع حاکمیت پوشالی و بقیه منسوبین اردوی دست نشانده را مسؤل وضعیت پیش آمده و استقرار نظام ملا سالار می داند، به آنها قناعت ننموده، از یخن "عبدالله عبدالمود" و "حامدکرزی" می گیرد، اینک سرانجام می خواهد فرارش را ترس از مسموم شدن به وسیله آشپز ارگ ثبت تاریخ نماید توگویی نمی توانست به جای فرار آشپز را از کار برکنار نماید.

۳- این که "غنی احمدزی" از شرکای بین المللی- در نخستین مصاحبه با بی. بی. سی. یعنی امپریالیسم امریکا و بقیه اشغالگران آغاز می نماید و سرانجام به آشپز می رسد مبین آن است که در هر مرحله هر زمانی که خواسته کسی را ملامت نماید، طرف مقابل با یک پتکه و احتمالاً تهدید وادارش ساخته است تا نامی از وی نبرد و رنه...

"غنی احمدزی" که به اساس گفته های هم دوره هایش در لیسه غازی، انسان جبون و شاگرد خلموک و گریانوکی بیش نبود، بعد از تهدید های متواتر سرانجام عقده دلش را بالای آشپز بیچاره که دستش به او نمی رسد، خالی کرده وی را متهم به سوءقصد علیه خود می نماید. فکر می کنم اگر آشپز هم از همان راه دور مینوی ۱۷ قسم گوشت را به رخش بکشد، اینبار از یخن باغبان ارگ و یا یکی از پیشخدمتان ارگ خواهد گرفت.

۴- به نظر من منشأ مشکل "غنی احمدزی" دو گانه است: یکی شخصیتی و دیگری مأموریتی.

مشکل شخصیتی "غنی احمدزی" در آن است که وی شخص بینهایت ترسو، جبون و بزدل است، مگر می‌کوشد این جبن و ترس را با قدرت نمائی و یکه تازی از انظار پپوشاند، او نه شجاعت بیان حقیقت را دارد و نه جرأت و گریزه انتقاد از خود و انگشت گذاشتن بر ضعف هایش. از همین رو می‌کوشد برای اشتباه و کمبودش کس دیگری را مقصر جلوه دهد.

و اما مشکل مأموریتی بدان معناست که وی جرأت ندارد بگوید:

"من یک مأمور بودم و معذور، آنهایی که دستم را گرفته از امریکا به افغانستان آورده بودند و من را به چنان مقامی گماشته بودند، رأی شان تغییر کرد و دستم را گرفتند و از افغانستان بیرون انداختند. والسلام!"

به جای چنین اعتراف شجاعانه ای و از مردم استغفار جستن، امروز یک حرف می‌زند و از پاچه یکی می‌گیرد و فردا حرف دیگری زده و از پاچه فرد دیگری می‌گیرد. همین برخورد های رذیلانه اش موجب شده که در کنار مردم و عناصر آگاه و تمام آنهایی که به شکلی از اشکال در مبارزه علیه حاکمیت های جبار و وابسته مشغول بوده اند، حتا آنهایی را که خودشان نیز از لحاظ شخصیتی چیزی بیشتر از "غنی احمدزی" نبوده اند مگر در نگارش هیچ گاهی به کسی فحش و ناسزا نگفته اند، وی را با چنان زبانی دشنام دهند که فحاشان روز انگشت حسرت به دندان بگیرند. از جمله مطلبی را که از قلم "داکتر سید مخدوم رهین" یک تن از نوکران سرسپرده اشغالگران در فیسبوک ها انتشار یافته به مثابه سند در اینجا می‌آورم:

«در تاریخ کهنسال ما، رهبران و زعمای مختلف داشته‌ایم، دادگر و ستمگر، دانا و نادان، دلسوز به حال مردم و بی‌اعتناء به حال مردم، صادق و خاین، شجاع و بزدل، فدا کار و نفس پرور، اما هر قدر این تاریخ رنگین را ورق بزنی و بی‌طرفانه داوری کنی، خود را پلیدترین، ابله‌ترین و در عین حال منافق‌ترین، خاین‌ترین، بی‌شرافت‌ترین، سخیف‌ترین، فرومایه‌ترین، فاشیست‌ترین و بزدل و ترسوترین مانند خودت را نمی‌یابی. تو ملتی را به خاک سیاه نشانیدی، تو غرور ملتی آزاده را شکستی. تو وقار و عزت و اعتماد به نفس توده‌های با مناعت و معصوم ما را به خاک مالیدی. تو آن سرزمین مقدس را با دست ناپاکت به صدها گناه آلوده کردی. تاریخ به رویت تف می‌اندازد. کاش از مادر نمی‌زادی.»

سعدی بزرگ فرموده بود:

زنان باردار ای مرد هشیار اگر وقت ولادت مار زابند

ازان بهتریه نزدی خردمند که فرزندان ناهموار زابند

تو «فرزند ناهموار» به مادر خیانت کردی، به مادر وطن خیانت و جنایت کردی، قصر بالا ترین مقام و جایگاه تصمیم گیری کشور را که ارگ ریاست جمهوری بود زنا خانه ساختی با آن زن یهودی جاسوس موسادت، حال با چه روی و حال روزی بر یک ملت خیانت کرده نگاه می‌کنی تف بر تو و ذات پلیدت و همکاسه های ننگینت،»

هموطنان گرامی!

این نگاشته چه از قلم "رهین" باشد چه نباشد، در معرفی شخصیت افرادی از قماش "غنی احمدزی" و شخص "رهین" حد اقل از یک بعد سنگ تمام گذاشته، آنها را همان طور که هستند معرفی نموده است. در پایان این مختصر توصیه ای به "غنی احمدزی" و افرادی از قماش وی دارم: "اگر نمی‌توانید صادقانه حرف بزنید و مسؤولیت خودتان را در تکامل اوضاع کنونی بیان دارید، لاف ساکت باشید و بیش از این دامن خود و خانواده هایتان را بلند نکنید»

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می‌باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!